روزنامه صبا
رسانه فرهنگ و هنر
www.sabanewspaper.ir
sabanewspaper_ir

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

تهران / میدان دربند / خیابان دربند / کوچه تویسرکانی / پلاک ۶۱
تلفن: ۲-۲۲۷۲۴۱۱۱
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز







گفت‌وگوی روزنامه صبا با «مهتاب علی‌آبادی»، نقاش، تصویرگر، چاپگر و مدرس هنر

هنر، توافقی میان رنج و زندگی است

مهناز کارگران. گالری «بهارین» تهران میزبان نمایشگاه انفرادی مهتاب علی‌آبادی، هنرمند تبریزی، با عنوان «فقدان در فاصله کمی دور، کمی نزدیک» شد. این نمایشگاه مجموعه‌ای از آثار چاپ دستی این هنرمند را در بر می‌گیرد. علی‌آبادی، نقاش، تصویرگر، چاپگر و مدرس هنر، سابقه حضور در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی متعددی را دارد و از برگزیدگان دومین جایزه سال سهراب در سال ۱۴۰۴ است. به بهانه برگزاری این نمایشگاه، گفت‌وگویی با او داشته‌ایم.



○مجموعه «فقدان در فاصله کمی دور، کمی نزدیک» از چه نقطه‌ای در تجربه و مسیر هنری شما آغاز شد؟

اتفاقات در زندگی شخصی و کاری من از حیث اهمیت، محدود به گذشته نمی‌شوند. به زبان ساده‌تر آن‌چه اتفاق افتاده به سبب تغییرات زمانی و مکانی، پیر یا کهنه نمی‌شود و در برخی موارد حالتی سوررئال و ورای واقعیت به خود می‌گیرد و به اشکال نویادآوری یا در ذهنم بازتولید می‌شود. این اتفاق شاید برای خودم گاهی دردناک‌تر از زمان وقوع‌شان باشد اما آن‌چه به یک اثر هنری می‌انجامد، کنکاشی مستمر و به‌زعم من موفق است برای فرم‌دادن به اتفاقات رخ‌داده و گاهی کاستن از بار رنج و تاثیرشان در مواجهه فرد با موضوعی مثل فقدان. تکرار و بازتولید خاطره از دست‌دادنِ عزیز، گاهی برابر است با مواجهه‌ای دشوار که حجم سنگین «نبودن» را رفته‌رفته در ذهن و یاد کم‌تر می‌کند. از بین نمی‌برد، علاجی می‌شود برای توافق بین رنج و شخص صاحب رنج. کسانی که با گذشته زندگی می‌کنند به راحتی از هجمه اتفاقات خلاص نخواهند شد. من برای هم‌زیستی با رنج گذشته، به طراحی رنج پناه می‌برم تا در پروسه بازتولید، هر بار زوایای مختلفش را بشناسم و بار روانی آن را کم‌تر کنم.

○در این مجموعه، پدر و مادر در شمایل مرغ و خروس حضور دارند. درباره فرایند شکل‌گیری این انتخاب و دلایل استفاده از این شمایل‌ها برای بازنمایی آن‌ها توضیح بدهید.

خانواده و بودنِ اعضایی کنار هم به عنوان کسانی که یک خانواده را می‌سازند اغلب برای هر آدمی اهمیت دارد. کودکی و نوجوانی من به لحاظ داشتن خانواده‌ای دوست‌داشتنی و یک خانه امن تا ابد زیباست، گرچه در آغاز جوانی به فاصله چند ماه کوتاه هم پدر و هم مادر را از دست دادم، ولی ما آدم‌ها خواه‌ناخواه با گذشته‌مان مأنوسیم و خوب یا بد، سایه گذشته بر سر زندگی حال و آینده افتاده. حضور مرغ و خروس به عنوان نماد مادر و پدرم در آثار این مجموعه مشهود است و این به سه علت است: اول، علاقه‌ام به فرم و شکل مرغ‌ها و خروس‌ها. دوم، خاصیت و ویژگی آن‌ها. سوم، زندگی غالباً خانواده‌گونه مرغ و خروس کنار هم.

○در بسیاری از آثار، با ترکیب چهره‌های انسانی و فرم‌های جانوری مواجه‌ایم. این ترکیب‌ها چگونه در روند خلق آثار شکل گرفته‌اند و چه جایگاهی در روایت تصویری مجموعه دارند؟

چهره‌هایی که در مجموعه مشاهده می‌کنید، شکل‌ها و دفرمه‌هایی از چهره خودم‌اند در رویارویی با آن‌چه در گذشته اتفاق افتاده و آن‌چه در ذهنم از گذشته ساخته و پرداخته‌ام که تا به امروز اصلاً اتفاق نیفتاده. گاهی بازتولید خاطره به خیالاتی می انجامد که صرفاً در قالب خیال و تصویر ذهنی باقی می‌مانند. حضور منِ امروز است در زندگی دیروزهای دور در قالب زندگی سرشار از حضور مادر و پدر.

○در تعدادی از آثار، چشم‌ها و نگاه‌ها از تأکید بصری ویژه‌ای برخوردارند. درباره اهمیت نگاه و نحوه شکل‌گیری این عنصر در آثارتان بگویید.

چشم‌ها و دست‌ها اغلب در آثار ده سال اخیرم مهم‌اند و جایگاهی ویژه دارند. در این مجموعه که بیش‌تر از تمام مجموعه‌آثارم نمادها و سمبل‌ها به چشم می‌خورند، چشم‌ها اغلب به زندگی خیره‌اند. آن‌چه از نبود آن‌ها (مادر و پدر) نتیجه شده خیرگی بی‌حدی است به زندگی. انگار باید به زندگی بیش‌تر چنگ زد. بیش‌تر دید! حتی جایی که صورتک‌ها از یک چشم خالی می‌شوند.

○در استیتمنت نمایشگاه، فرایند چاپ را با روند زندگی مقایسه کرده‌اید. این ارتباط چگونه در تجربه عملی شما از چاپ دستی شکل گرفته و چه تأثیری بر نگاهتان به خلق اثر گذاشته است؟

به زعم من، همه ما شبیه پلیت‌ها و کلیشه‌های چاپی هستیم که به فراخور شرایط و زمان، تن‌مان هر بار به شکل و تکنیک مختلف زخم می‌شود. این زخم‌خوردگی که در هر دو مشابه است، باعث می‌شود علاقه‌ام به کار چاپ دستی بیش‌تر شود. فصل مشترکی‌ست میان تن آدمی و کلیشه چاپی. حتی هر بار لایه‌های زخم عمیق‌تر می‌شود، اثر به‌جامانده پخته‌تر خواهد بود و آدم با زخم‌هایش پخته‌تر و جاافتاده‌تر می‌شود.

○در این مجموعه از تکنیک‌های متنوعی استفاده کرده‌اید. فرایند انتخاب و به‌کارگیری این تکنیک‌ها در ارتباط با هر اثر چگونه بوده‌اند؟

تکنیک‌های مختلف چاپ دستی بسیار جذابند اما به لحاظ سلیقه و علاقه تکنیک‌هایی که در آن‌ها اسید هم مداخله داشته، برای من جذاب‌ترند. مثل اچینگ و لیفت‌گراند. اسید در تکنیک چاپ‌های گود باعث خوردگی خط‌هایی‌ست که هنرمند چاپگر روی پلیت حکاکی کرده. بنابراین مواجهه پلیت با اسید در هر بار، مرا به یک هدف مهم که «زخم تن» است نزدیک‌تر کرده و نتایجی شگرف و غیرقابل پیش‌بینی داشته که لذتبخش است.

○در این مجموعه، تجربه‌ای شخصی به زبان تصویر و چاپ دستی تبدیل شده. هنگام خلق آثار چه‌قدر به حضور و برداشت مخاطب فکر می‌کنید؟

آثار من از سال‌ها پیش حالت نمادین دارند. برای به کارگرفتن نمادها و سمبل‌ها مدت‌ها مطالعه می‌کنم. به ویژگی حیوانات، به شکل اشیا، به خاصیت رنگ‌ها فکر می‌کنم. همه و همه عامدانه در آثارم جا می‌گیرند. در زمان شکل‌دادن به آثار بیش‌تر به ذهن و درون خودم توجه می‌کنم اما من جدای از آدم‌ها و مخاطب نیستم. من شبیه خیلی از زن‌ها و مردهایی‌ام که کنارشان زندگی می‌کنم و تجربه‌هایی دارم که شبیه تجربه بسیاری از آدم‌هاست. برای شکل‌دادن به اثر به این فکر نمی‌کنم که مخاطب چه خواهد گفت یا چطور فکر می‌کند. به این فکر می‌کنم که مخاطب و دیگری از اثر من چه دریافتی دارد و تا چه اندازه به تجربه زیسته من نزدیک خواهد شد اما برایم بسیار مهم بوده و هست که مخاطب در مواجهه با اثرم چه برداشتی دارد.

○در این مجموعه با تنوعی از تکنیک‌های چاپ و تفاوت‌هایی در سوژه و ساختارهای بصری مواجه هستیم. شما این آثار را ذیل یک عنوان و استیتمنت مشترک گرد هم آورده‌اید. چه مؤلفه یا پیوند درونی‌ای باعث شد این آثار را متعلق به یک مجموعه واحد بدانید؟ آیا از ابتدا با ایده شکل‌گیری مجموعه‌ای منسجم پیش رفتید یا این وحدت مفهومی در جریان خلق آثار و در مرحله انتخاب و چیدمان آن‌ها شکل گرفت؟

من همیشه موضوع را انتخاب می‌کنم و برای موضوع طراحی می‌کنم. هیچ‌وقت به این شکل نبوده که مجموعه‌ای از کارها با حذف و اضافه کنار هم جا بگیرند یا هم‌شکل شوند تا به یک موضوع نزدیک شوند و به شکل مجموعه واحد و مستقل درآیند. موضوع همیشه هست و آثار برای یک موضوع طراحی می‌شوند. ممکن است در یک مجموعه با تکنیک‌های مختلف به طراحی ابژه بپردازم اما همه تکنیک‌ها و متریال‌ها هم‌سو و هم‌جهت خواهند بود در نشان‌دادن سوژه‌ای که از قبل انتخاب شده. شاید در این چهارچوب قرارگرفتن سختی‌های خود را داشته باشد اما من قبل از این‌که چاپگر باشم، تصویرگرم و نویسندگی می‌کنم. خواه‌ناخواه سوژه برایم بسیار مهم است.

